

درس دوازدهم دوستی نوع نثر: ساده و روان برگرفته از: کتاب قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاووس

تاریخ ادبیات : تاریخ ادبیات عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر وی از امرای دانشمند آل زیار (در قرن پنجم هجری) است. فرمانروایی وی منحصر به قسمت محدودی از گرگان و طبرستان بود. عنصرالمعالی مردی آگاه و دانشمند بود و به فارسی و طبری شعر می سرود. قابوسنامه گرفته شده است. وی «قابوس» قابوسنامه کتابی است پندآموز نوشته ی عنصرالمعالی کیکاووس. نام قابوسنامه از نویسنده ی آن - فصل نوشته است و موضوعات آن مربوط به تربیت فرزند، رسوم لشگرکشی، مملکت ۱۱ این کتاب را برای فرزندش گیلانشاه، در داری، آداب اجتماعی و دانش و فن است.

معنی دوستی

بدان ای پسر مردمان تا زنده اند از دوستان ناگزیرند.

معنی : ای فرزندم آگاه باش که انسانها تا زمانی که زنده هستند ناچار هستند که دوستانی داشته باشند.

که مرد اگر بی برادر باشد به که بی دوست

معنی : که اگر یک انسان برادر (خویشاوند) نداشته باشد بهتر از این است که هیچ دوستی نداشته باشد.

از آنکه حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟

معنی : به این دلیل که از دانشمندی پرسیدند که دوست بهتر است یا برادر؟

گفت : برادر نیز، دوست به

معنی : گفت : برادر. اگر انسان دوست نیز داشته باشد خیلی بهتر می شود.

پس به کار دوستان اندیشه کن و دوستی ایشان به مردمی و احسان، تازه دار

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۴۰۳-۱۴۰۲ استان البرز خانم مهرانی

معنی: پس به اعمال و رفتار دوستانت فکر کن و دوستی خود را با انسانیت و نیکی کردن حفظ کن.
و چون دوست نو گیری پشت بر دوستان کهن مکن.

معنی: و زمانی که دوست جدیدی پیدا کردی دوستان قدیمی را از یاد نبر.

دوست، همی طلب و دوستان کهن را بر جای همی دارتا همیشه بسیار دوست داشته باشی
معنی: همیشه در حال پیدا کردن دوست باش و دوستان قدیمی را نیز برای خود نگه دار تا همیشه دوستان
زیادی داشته باشی.

و دیگر با مردمانی که با توبه راه دوستی روندو «نیم دوست» باشند، نیکویی و سازگاری کن.

معنی: و همچنین با کسانی که دوستی مختصری داری با نیکویی رفتار کن.

و در هر نیک و بد به ایشان مشفق باش

معنی: و در حوادث نیک و بد نسبت به آنها مهربان باش.

تا چون از تو مردمی ببینند، دوست یکدل شوند

معنی: زیرا زمانی که این رفتارها را از تو می بینند، دوست صمیمی و واقعی تو می گردند.

مشاوره نوع نثر: ساده برگرفته از: کتاب سیاستنامه، خواجه نظام الملک توسی

تاریخ ادبیات خواجه نظام الملک (قرن پنجم ه. ش) نظام الملک از وزیران و دانشمندان قرن پنجم است که در توس متولد شد. مدت وزارت او سیسال بود. بسیاری از پیشرفتهای سلجوقیان در امور داخلی کشور مدیون لیاقت و کاردانی وی بود. مدارس بسیاری بنا نهاد که پس از وی به اثر اوست. «سیاستنامه» مدارس نظامیه شهرت یافت.

معنی نثر مشاوره

مشاورت کردن در کارها از قوی رای مردم باشد و از تمام عقلی و پیشبینی

معنی: مشورت کردن در کارها نشانه ی فکر قوی، خردمندی و آینده نگری انسان است.

چه، هرکس را دانشی باشد و هر یکی چیزی داند: زیرا، هرکسی دانشی دارد و هر شخصی از چیزی آگاهی دارد.

یکی بیشتر و یکی کمتر: یکی بیشتر میداند و یکی دیگر آگاهی کمتری دارد.

و یکی دانشی دارد و هرگز کار نبسته است و نیازموده: شخصی دانش و آگاهی دارد که هرگز از آن استفاده نکرده است.

و یکی همان دانش داند و کار بسته است و آزموده: اما شخص دیگری از همان دانش و آگاهی استفاده کرده است و تجربه به دست آورده.

مثال این، چنان باشد که: یکی باشد که بسیار سفرها کرده باشد و جهان بسیار دیده و سرد و گرم چشیده معنی: مثال این، آنگونه است که: شخصی هست که سفرهای زیادی کرده است و تجربه های بسیاری به دست آورده و کارهای زیادی را تجربه کرده است.

و در میان کارها بوده، با آن کس برابر نتوان کرد که هرگز سفر نکرده باشد و ولایتها ندیده، نمیتوان او را با کسی مقایسه کرد که هیچ وقت، به مسافرت نرفته و شهرها و جاهای دیگر را ندیده باشد. و از این رو، گفته اند: تدبیر با دانایان و پیران و جهاندیدگان باید کرد.

به همین خاطر گفته اند: لازم است که با انسانهای خردمند و پیران با تجربه، همفکری و مشورت کرد.

آرایه های ادبی:

جهان بسیار دیده و سرد و گرم چشیده، کنایه از با تجربه بودن است.

معنی: همچنین، ممکن است کسی باهوش تر باشد و در کارها زودبه موفقیت و نتیجه برسد و کس دیگری هم هوش و استعداد کمتری دارد.

و نیز یکی را خاطر تیز تر باشد و در کارها زودتواند دید و یکی کند فهم باشد و تدبیر ده تنه، چون زور ده مرده باشد.

معنی. مشورت کردن با هم (استفاده از فکر ده نفر) مانند نیروی ده مرد قوی، مؤثر و اثربخش است. (مشورت، زودتر انسانها را به نتیجه میرساند.)

آرایه های ادبی: تدبیر ده تنه مانند زور ده مرده: تشبیه

همه ی جهانیان متفق اند که هیچ آفریده، داناتر از پیغامبر (ص) نبوده است و با این همه فضیلت و معجزات که او را بود خدا ی تعالی او را می فرماید وَ شاورْهُمْ فی الامر

یا محمّد چون کار کنی و یا مهمّی تو را پیش آید، با یاران وَ شاورْهُمْ فی الامر بود، خدای (تعالی) او را میفرماید: خویش تدبیر کن

معنی: همه ی مردم با هم یکی و هماهنگ هستند که هیچ کسی از پیامبر (ص) عاقلتر و خردمندتر نبوده است، امّا با این همه برتری و کارهای شگفت انگیز خارق العاده که مخصوص پیامبر (ص) بود، خداوند بلند مرتبه به پیامبر (ص) دستور میدهد: ای محمّد وقتی که کار مهمّی را انجام میدهی با یاران خود مشورت کن. در کارها با یاران خود مشورت کن.

مشورت ناکردن در کارها، ضعیف رایی باشد و هیچ شغلی بی مشورت، نیکو نیاید.

معنی: مشورت نکردن در کارها، نشانه ی فکر و اندیشه ی ضعیف و ناتوان است (انسانهای ضعیف و بیخرد، در کارها مشورت نمیکنند)، هیچ کاری بدون مشورت کردن پایان خوبی ندارد و موفقیت آمیز نیست

دانش زبانی

واژه آموزشی

. جمله بندی نثر قدیم ، با نثر امروز یکسان نیست

. واژه هایی که در نثر قدیم به کار رفته ، گاهی با واژه های امروزی یکسان نیست

: در زمان گذشته ، در فعل امر ، به جای « ب » ، نشانه های دیگری می آمد که عبارتند از

همی : همی طلب = بطلب همی دار = بدار

مانند : خامش منشین سخن همی گوی افسرده مباش ، خوش همی خند

فعل امر: بگوی فعل امر: بخند

می: می کوش = بکوش

مانند : می کوش به هر ورق که خوانی کان دانش را تمام دانی

بخوان و حفظ کن شیر خدا قالب شعر: مثنوی شاعر: شهریار

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۴۰۳-۱۴۰۲ استان البرز خانم مهرانی

بخوان و حفظ کن شیرِ خدا قالب شعر: مثنوی شاعر: شهریار

تاریخ ادبیات: سید محمد حسین بهجت تبریزی (زاده ۱۲۸۵ - درگذشته ۱۳۶۷) متخلص به شهریار شاعر ایرانی اهل آذربایجان بود که به زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی شعر سروده است. وی در تبریز به دنیا آمد و بنا به وصیتش در مقبره الشعراي سرخاب تبریز به خاک سپرده شد. در ایران روز درگذشت این شاعر معاصر را «روز شعر و ادب فارسی» نام‌گذاری کرده‌اند

تحصیلات خود را در تبریز و دارالفنون ۱۲۸۵ محمد حسین بهجت تبریزی در سال تهران گذراند. او نخست در رشته ی پزشکی تحصیل کرد و پس از چندی، پزشکی را رها کرد و به شعر و شاعری روی آورد. ابتدا، معروفترین شعر ترکی اوست. وی در «حیدرآباد» شهریار به دو زبان فارسی و آذری (ترکی) شعر می سرود.

علی آن شیر خدا، شاهِ عرب اَلْفَتی داشته با این دلِ شب

حضرت علی (ع) که شیر خدا و امیر و سرورِ سرزمین عرب بود با تاریکی شب، انس و دوستی داشته است.

شب ز اسرارِ علی آگاه است دلِ شب، محرمِ بَیْرِ الله است

شب از مناجات‌های حضرت علی (ع) با خداوند، آگاه است.

شب شنفته است مناجات علی جوشش چشمی عشق ازلی

شب، تمام راز و نیازها و شور و هیجان عاشقانه و جاودانه ی حضرت علی (ع) را با خدا شنیده است.

کلماتی چو دُر آویزهی گوش مسجد کوفه هنوزش مدهوش

مسجد کوفه هنوز مناجات‌های ارزشمند و گرانقدر حضرت علی (ع) را به خاطر دارد و از شنیدن آن متحیر و بیهوش است.

فَجَر تا سینه ی آفاق شکافت چشم بیدارِ علی، خُفته نیافت

از آن زمان که سپیدی سحر (خورشید)، تاریکی شب را به روشنی روز درآورد، حضرت علی (ع) را بیدار و مشغول راز و نیاز دیده است.

ناشناسی که به تاریکی شب میبَرَد شامِ یتیمانِ عرب

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۴۰۳-۱۴۰۲ استان البرز خانم مهرانی

حضرت علی (ع) آن مردناشناسی بود که در تاریکی شب برای کودکان یتیم عرب، غذا میبرد .

عشق بازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگاه پیغمبر

حضرت علی (ع) آن عاشقی است که خطر مرگ را پذیرفت و در جای پیامبر (ص) خوابید.

آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه ی در، شد از او دامنگیر

در آن سحرگاه عجیب و شگفت انگیز (سحرگاه نوزدهم ماه رمضان)، حلقه ی در، دامنش را گرفت و مانع رفتن او شد.

دست در دامن مولا زد، در که علی بگذر و از ما مگذر

در لباس حضرت علی (ع) را گرفت و گفت: یا علی، از رفتن به مسجد منصرف شو و از من عبور نکن

شبروان مستِ ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

یا علی، انسانهای عارف و مؤمن، شیفته ی دوستی تو هستند. یا علی، جان تمام انسانهای جهان، فدای تو باد.

حکایت عمر گرانمایه

دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو، نان خوردی.

معنی: دو برادر بودند که یکی برای پادشاه کار میکرد و در خدمت او بود و برادر دیگر با نیروی خودش کار میکرد و زندگیش را میگذراند.

باری، توانگر گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟

معنی: خلاصه، برادر ثروتمند به برادر فقیر گفت که: چرا تو خدمت و چاکری پادشاه را انجام نمیدهی تا از رنج و سختی کار کردن رها شوی؟

گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلّت خدمت، رهایی یابی که خردمندان گفته اند: نان خود خوردن و نشستن به که کمر زّین بستن و به خدمت ایستادن

معنی: گفت چرا تو کار و تلاش نمیکنی تا از خواری و پستی خدمت کردن به پادشاه نجات یابی؟ زیرا انسانهای خردمند گفته اند: از دسترنج خود خوردن و زندگی کردن و روزی به دست آوردن از در خدمت پادشاه بودن و چاکری و فرمانبرداری او کردن بهتر است.

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۴۰۳-۱۴۰۲ استان البرز خانم مهرانی

به دست آهن تفته کردن خمیر به از دست بر سینه، پیش امیر

معنی: آهن داغ را نرم کردن و رنج و سختی آن را تحمل کردن بهتر از تعظیم کردن در مقابل پادشاهان است.

عمر گرانمایه در این صرف شد تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

عمر با ارزش من به خاطر فکر کردن به اینکه تابستان چه بخورم و زمستان چه بپوشم، هدر رفت.

ای شکم خیره، به نانی بساز تا نکنی پشت به خدمت، دوتا

ای شکم بیشرم و گستاخ به لقمه نانی قناعت کن تا اینکه مجبور نباشی در برابر دیگران تعظیم و خدمت کنی.